

محکومیت نویسندگان و روزنامه نگاران در آبادان



کا نون نویسندگان ایران

در روزهای اخیر خبرگزاری‌ها به نقل از فرزانه زیلابی، وکیل ماندانا صادقی، نویسنده و روزنامه‌نگار، آرش قلعه‌گلاب، شاعر و روزنامه‌نگار و رضا محمدی، نویسنده و روزنامه‌نگار از برگزاری دادگاه این سه تن در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۴۰۳ خبر داده بودند و اکنون خبر صدور احکام آنان منتشر شده است.

به گفته‌ی زیلابی، این سه روزنامه‌نگار «ذیل عناوین اتهامی فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و ارتباط با دول متخاصم قرار دارند.» زیلابی همچنین افزوده است: «اتهامات وارد شده به ماندانا صادقی و آرش قلعه‌گلاب عمدتاً مرتبط با اخبار و تحلیل‌هایی است که در زمینه‌ی فاجعه‌ی ریزش متروپل و اعتراض‌های در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱ منتشر کرده‌اند.»

در خبرها آمده که اکنون به حکم دادگاه انقلاب آبادان ماندانا صادقی و آرش قلعه‌گلاب هر یک به بیش از ۴ سال زندان محکوم شده‌اند و حکم «۳ ماه و یک روز» حبس رضا محمدی، همسر ماندانا صادقی نیز صادر شده است.

تداوم آزار اکبر آزاد؛ اجرای حکم تبعید به‌رغم شرایط وخیم جسمانی

اکبر آزاد، نویسنده، فعال اجتماعی و عضو کانون نویسندگان ایران

به‌رغم شرایط وخیم جسمانی برای تحمل یک سال باقی‌مانده از حکم تبعید، به اجرای احکام فراخوانده شده است. اکبر آزاد اسفندماه سال ۱۳۹۲ در مراسم گرامی‌داشت روز جهانی زبان مادری در شهر محل سکونتش، اسلام شهر، بازداشت شد.

او پس از تحمل آزارهای بسیار و بازجویی‌های متعدد در سال ۱۳۹۵ به حکم شعبه‌ی یک دادگاه انقلاب شهرستان بهارستان به تحمل حبس و تبعید محکوم شد و سرانجام حکم دو سال حبس و دو سال تبعید او در دادگاه تجدیدنظر تایید شد.

این عضو کانون نویسندگان ایران پس از گذراندن دو سال حبس، یک سال از حکم تبعید به شهرستان دره‌شهر را نیز گذارند و به دلیل شرایط حاد جسمی از ادامه‌ی حضور در این شهر خودداری کرد. اکبر آزاد اکنون در شرایطی به اجرای احکام فراخوانده شده که تحت معالجه‌ی عفونت کلیوی است و به سختی راه می‌رود. او به بیماری دیابت نیز مبتلاست و بی‌تردید پافشاری حکومت بر آزار و تداوم اجرای حکم تبعید، جان و سلامتی او را بیش از پیش به خطر می‌اندازد.

کانون نویسندگان ایران

17 مارس 2025

شاد باش نوروزی



کا نون نویسندگان ایران

رنج‌های مشترک بسیار و رویای زیبای آزادی و فرهنگی مشترک ما را به هم نزدیک کرده است؛ در سالی که همچون پار و پیرار، چیزی برای شادی جمعی نداشتیم.

گرانی‌های کمرشکن، دوام آوردن با دستمزدی ناچیز، اخراج سهل و بی‌عقوبت نیروی کار زیر چتر قراردادهای چند ماهه، تنگ‌تر شدن عرصه بر زنان زیر بار کمرشکن قوانین نوشته و نانوشته‌ی ضدانسانی، ادامه‌ی سانسور و سرکوب آزادی بیان با پرونده‌سازی برای نویسندگان و هنرمندان و فعالان سیاسی و اجتماعی و تهدید و در بسیاری موارد بازداشت آنها، و سرانجام صدور احکام اعدام برای معترضان و مخالفان سیاسی... این همه تنها سیاه‌های مختصر از رنج‌های مشترکی است که حاکمیت به مردم تحمیل کرده است.

با این همه، در دل این سرکوب فزاینده و این بن‌بست اقتصادی که بقای بسیاری را تهدید می‌کند، در روزهایی که بسیاری سال را پشت میله‌های زندان نو می‌کنند و بسیاری دیگر به قید وثیقه آزادند، مقاومت هر روزه‌ی زنان، ایستادگی ادبیات و هنر مستقل در برابر سانسور و بردگی فکری، و به هم پیوستن صداهای پراکنده برای لغو احکام اعدام چون بارقه‌هایی از آینده‌ی روشن است، آینده‌ای که با رویای آزادی و برابری در آمیخته است.

از این روست که در آستانه‌ی نوروز نگاهی به روزهای رفته داریم و چشم امید به روزهای نیامده بسته‌ایم. همچون هر بهار، میان بیم‌های بیشمار و امیدهای اندک، امید و همبستگی را چراغ راه می‌کنیم که نیروی ادامه دادن راه از همین امید و همبستگی بر می‌آید.

کا نون نویسندگان ایران سال نو را به نویسندگان و هنرمندان مستقل و همه‌ی آزادی‌خواهان و ستم‌ستیزان شادباش می‌گوید. باشد که ایستادگی‌های فردی جای خود را به ایستادگی‌های جمعی دهد و سال تازه، سال به بارنشتن امیدها و تحقق آرمان‌ها باشد.

کا نون نویسندگان ایران

۲۹ اسفند ۱۴۰۳

ستیزه با آزادی اندیشه و بیان



سند

گ مزار غلامحسین ساعدی و ستیزه با آزادی اندیشه و بیان

به تازگی گورستان پرلاشِر پاریس شاهد کُنش برخی از دارِ وُ دسته های اوباشِ آزادی ستیزی شد که تاب مخالفت با جنایت ها و کردارهای پلید رژیم شاه را نداشتند و با آلودن سنگ مزار غلامحسین ساعدی، نویسنده انسانمدار و آزادیخواه یکی از شاخص ترین منتقدان استبداد و سرکوبگری رژیم شاه، سنگ مزارش را به کثافت وجود خود آلودند.



بی تردید، در برابر هر انتقاد، می توان به پاسخ انتقادی پرداخت و این ابتدایی ترین شرط زنده ماندنِ آزادیِ اندیشه و بیان است. جامعه بشری در درازای زیست بودِ خود همواره در این راه و فراز و فرودهای آن تلاش کرده و خواسته است با پالایش منش و کردار خود

زندگی را دلپذیرتر کرده و امکان دوری از پلیدی و تک نگری را فراهم آورَد.

اما حکومت های آزادی ستیز و سلطه جو در سرتاسر تاریخ، مدام با این کردار نیک بشری سرِ مخالفت داشته اند و با پیشه کردن آزادی ستیزی، کوشیده اند راه اندیشه ورزیِ آزاد و بیانِ نو را به هر شیوۀ ممکن سد کنند. در این راستا، غلامحسین ساعدی به عنوان یکی از پشتیبانان پیگیر آزادی و مردمداری، از سوی هر دو رژیم شاه و جمهوری اسلامی مورد آزار و محدودیت و زندان بوده است و اکنون حتا سال ها پس از مرگش، این پسمانده های رژیم سلطنتی و دشمن آزادی با درپیش گرفتن کثیف ترین عملکردها که نشان از بی فرهنگیِ آنان دارد، برنمی تابند که نام و سنگ مزار او، هزاران فرسنگ دور از زادگاهش هم در امان باشد. این بی خردان و بی فرهنگان به خیال خود می کوشند انتقامِ ناکامی های ناشی از کردار پلشت خود را با زشتکاری از سنگ مزارِ او بگیرند. چنین کردار موهن و زشتی از نگاه تیزبین مردمِ آگاه و آزادیخواه جامعۀ ما پنهان نمی ماند و ماهیت کُنش های آلوده به اِدبار آنان هرچه بیشتر آشکار و در برابر دید همگان قرار خواهد گرفت.

کانون نویسندگان ایران «در تبعید» و انجمن قلم ایران «در تبعید» نیز، همگام با مردم ایران، بی حرمتیِ نابخردانانِ این مزدورانِ ضد فرهنگ را به شدت محکوم میکنند و از افشای هر آنچه بر روند گسترشِ یابندِ حق آزادی اندیشه بیان بی حد و حصر و استثنا با هر انگیزه ای خدشه وارد کند، دریغ نخواهند ورزید.

کانون نویسندگان ایران «در تبعید» - انجمن قلم ایران «در تبعید»

۲۵ دسامبر ۲۰۲۴

13 آذر، روز مبارزه با سانسور



بیانیه

شانزده سال پیش کانون نویسندگان ایران سیزده آذرماه را به یاد دو جانب‌بختی راه آزادی بیان، محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، روز مبارزه با سانسور نامید. کانون نویسندگان ایران در این روز صدای خود را رساتر از هر زمان دیگر در برابر سیاست‌های سرکوبگرانه‌ی حاکمیت بلند می‌کند و اعلام می‌دارد که تا تحقق بند اول منشور خود، "آزادی اندیشه و بیان و نشر بی هیچ حصر و استثنا برای همگان"، از مبارزه با تمامی اشکال سانسور باز نخواهد ایستاد و در برابر موج فزاینده‌ی سانسور و به محاق بردن اندیشه و تفکر آزاد، مانند گذشته با عزمی راسخ ایستادگی خواهد کرد.

سرکوب صداهای مستقل که از آغاز در دستور کار حاکمیت قرار داشت، با اعمال سیاست‌هایی چون اختصاص بودجه‌های کلان به ارگان‌ها و عوامل سانسور، اقتصاد رانتی نشر، تهی‌ی فهرست سیاه از نویسندگان و ناشران مستقل و آزادی‌خواهی که پیشتر کارهایشان مشمول سانسور (در اصطلاح رسمی، اصلاحیه) شده، به ابتذال کشیدن تئاتر و سینما و تبدیل آن به نمایش مضحک عوامل حکومتی و حذف و مثله کردن آثار مستقل... به قلع و قمع روزافزون ادبیات و هنر مستقل انجامید. با تثبیت این سیاست‌ها، تا به امروز بسیاری از نویسندگان و هنرمندان از انتشار و نمایش آثارشان محروم شده‌اند، کتاب‌های زیادی توقیف و از دسترس خوانندگان خارج شده و تفتیش اندیشه و ارعاب نویسندگان مستقل سیری فزاینده یافته است. در

سال جاری نیز همچون سال‌های سیاه گذشته، حاکمیت به مدد سانسور در بزنگاه‌های سیاسی و اجتماعی، افکار عمومی را دستکاری و واقعیت را تحریف کرده است. روزنامه‌نگاران تحت فشار و تهدید و ارباب قرار دارند و بسیاری از نویسندگان، ناخواسته به دام خودسانسوری گرفتار شده‌اند. نتیجه‌ی این فضای خفقان‌آور، کاهش کیفیت آثار و در حاشیه ماندن اخبار آزاد و بی‌طرف است. انتشار زیرزمینی آثار ادبی و هنری نیز، گرچه روزنی برای تنفس نویسندگان و هنرمندان گشوده، اما آنان را از دسترسی به مخاطبان گسترده‌تر باز داشته است. با این همه هیچ حکومتی نتوانسته است صدای حقیقت را خاموش و آزادی و اندیشه را برای همیشه به بند کشد.

کانون نویسندگان ایران ضمن گرامی‌داشت یاد و نام بلند محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، همه‌ی شیوه‌های حاکمیتی سانسور را محکوم می‌کند و از تمام نویسندگان و هنرمندان آزادی‌خواه می‌خواهد که تا روزی که حق آزادی بیان بی هیچ حصر و استثنا برای همگان محقق شود، در برابر سانسور حکومتی سکوت نکنند و شیوه‌های پیدا و پنهان آن را افشا کنند.

کانون نویسندگان ایران
۱۲ آذر ۱۴۰۳

بهاران خجسته باد



پیام نوروزی کانون نویسندگان ایران مردم شریف و آزاده‌ی ایران

فرارسیدن نوروز را به شما شادباش می‌گوییم. سال‌ها سپری می‌شود و ما، اعضای کانون نویسندگان ایران، در آغاز هر سال یاد عزیزان جان باخته در راه آزادی اندیشه، بیان و قلم، به ویژه سعید سلطانپور، احمد میرعلایی، غفار حسینی، محمد مختاری، محمد جعفرپوینده را گرامی می‌داریم.

ما همچنان در کنار مردم آزادیخواه بر استقرار نهادهای مدنی و صنفی و آزادی اجتماعات پای می‌فشاریم و می‌خواهیم:

۱ - از آنجا که فشار سانسور بر عرصه نشر کتاب و مطبوعات هر روز فزونی می‌یابد، مصرانه می‌خواهیم که تیغ سانسور از ساخت کتاب و مطبوعات هرچه سریع‌تر کوتاه شود.

۲ - دکتر ناصر زرافشان عضو کانون نویسندگان ایران و وکیل خانوادگی قتل‌های سیاسی، موسوم به زنجیره‌ای که برای دفاع از عدالت نزدیک به چهار سال است در زندان به سر می‌برد، هرچه سریع‌تر آزاد شود.

۳ - وضع پرونده یوسف عزیزی بنی‌طرف و محسن حکیمی (از اعضای کانون نویسندگان ایران) هرچه زودتر روشن شود.

۴ - اکبر گنجی نویسنده و روزنامه‌نگار که به زودی دوره حبس

شش ساله‌ی وی به پایان می‌رسد هرچه زودتر و بدون قید و شرط آزاد شود.

۵- سرنوشت پرونده‌ی قتل‌های سیاسی موسوم به قتل‌های زنجیره‌ای که در آن دو عضو کانون نویسندگان ایران، محمد مختاری و محمد جعفر پوینده با بی‌رحمی و سفاکی کشته شدند و نیز پرونده‌ی قتل زهرا کاظمی هرچه سریع‌تر روشن شود.

۶- احضار و محاکمه دانشجویان و وبلاگ‌نویسان، سردبیران و مسئولان نشریات عمومی و دانشجویی به دادگاه و فیلترینگ سایت‌ها که بطور پیوسته و گسترده در جریان است متوقف شود.

۷- اعضای هیئت مدیره‌ی سندیکای کارگران شرکت واحد از جمله منصور اسالو و همکارانش که به خاطر دفاع از حقوق قانونی خود دستگیر و زندانی شده‌اند هرچه زودتر و بدون هیچ قید و شرطی آزاد شوند و همچنین همه‌ی کارکنان اخراجی شرکت واحد به سرکار خود بازگردند.

۸- ما همچنین خواهان روشن شدن نهایی پرونده‌ی عبدالفتاح سلطانی و رفع اتهام از ایشان هستیم.

و سرانجام چون همیشه آرزومندیم هرگونه برخورد ضدانسانی در همه‌ی عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی مردم ایران منسوخ گردد. تا همگی با هرنوع عقیده و اندیشه در کنار هم در صلح و بهروزی و سلامت و امنیت زندگی کنند.

کانون نویسندگان ایران

اسفند ۱۳۸۴

منبع خبری : <http://www.asre-nou.net/1384/esfand/24/m-kanoon.html>

مراسم بزرگداشت بکتاش آبتین با فشار مأموران امنیتی ناتمام ماند



مراسم بزرگداشت بکتاش آبتین
با فشار مأموران امنیتی ناتمام ماند



کانون نویسندگان ایران

اطلاعیه کانون نویسندگان ایران

ساعت سه عصر ۱۸ دی شماری از اعضای کانون نویسندگان ایران، خانواده و دوستان بکتاش آبتین برای گلباران مزار او در امامزاده عبدالله شهری حضور یافتند.

آنان آمده بودند تا یاد بکتاش آبتین، شاعر و فیلمساز و عضو سربلند کانون نویسندگان ایران، را در دومین سالگرد قتل او گرامی بدارند و بر دادخواهی جان جوانش پای بگذارند. اما فشار نیروهای امنیتی که در مسیر ورود و جای جای گورستان حضور داشتند

این مراسم را ناتمام گذاشت.

صدای شعرخوانی بکتاش که در فضا پیچید حاضران آرام و در سکوت پیرامون مزار گرد آمدند. سپس مریم یآوری، همسر بکتاش آبتین، سروده‌ای از کتاب تازه‌ی او «مرثیه‌ای برای گل‌های پژمرده» را خواند و پس از او چند تن دیگر نیز سروده‌های بکتاش را خواندند. اما مأموران همین را هم تاب نیاوردند و با فشار بر خانوادگی بکتاش مانع ادامه‌ی شعرخوانی شدند و به این ترتیب فرصت خواندن بیانیه‌ی کانون نویسندگان نیز دست نداد. در پی آن، شعار «دروود بر بکتاش» و «آبتین زنده است، راه او پاینده است» از میان جمع بالا گرفت و مأموران امنیتی بر تهدید خانوادگی آبتین و دیگر حاضران در مراسم افزودند چندان که برادر بکتاش ناگزیر شد از حاضران پوزش بخواهد و اعلام کند که خانوادگی بکتاش برای حفظ امنیت مردم مجبور است مراسم را حتی به صورت شعرخوانی ادامه ندهد؛ یاران بکتاش تنها فرصت یافتند که پیش از ترک گورستان با پرپر کردن گل‌ها مزار عزیزش را گلباران کنند. در این میان، مأموران کارت شناسایی یکی از شعاردهنده‌ها را ضبط کردند، ولی پافشاری حاضران بر این‌که تا پس‌گرفتن آن گورستان را ترک نخواهند کرد نتیجه داد و توانستند کارت شناسایی را پس بگیرند.

با این همه، کانون نویسندگان ایران، چنان‌که در بیانیه‌ی اخیر خود اعلام کرد، دادخواه جانِ جوانِ پرپرشده‌ی یار سربلند خود، بکتاش آبتین، باقی‌مماند و تا روشن شدن تمامی ابعاد این جنایت و محاکمه‌ی عاملان و مقصران آن از پا نمی‌نشیند.

